

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه بینه

استاد ضرابی دی ۱۳۹۹

جلسه دوم ۹۹/۱۰/۲۴

آیه ی شریفه: «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱)» - به هیچ وجه کفار و مشرکین و اهل کتاب رها نخواهند شد، تا وقتی که حجت نبوت خاتم الانبیاء و حقیقت دعوتش بر آنان تمام شود. (۱)»

عنوان : سایه شوم کفر و شرک

با توجه به مفاد آیه شریفه این طور فهمیده می شود که سایه شوم کفر و شرک بخصوص از ناحیه اهل کتاب، وقتی از سر مردم برداشته خواهد شد که حجت آشکار (البینه) از جانب خداوند متعال را در اختیار داشته باشند. «البینه» با الف و لام نشان می دهد که «بینه» خاص، معلوم و مشخصی مراد است نه هر بینه ای که آیات بعد به معرفی آن می پردازند.

شیطان رجیم زیر سایه شوم تاریکی جهل و نادانی است که می تواند با بهم آمیختن حق و باطل (تلبیس) مردم را گمراه کند. آنطور که اهل کتاب با انتساب اندیشه های کفرآمیز به خدا و پیامبران الهی ، می توانند در خدمت شیطان باشند، کفار و مشرکان دیگر که آشکارا با اسلام دشمنی می کنند قادر به این کار نیستند. از این نظر در آیه شریفه اهل کتاب مقدم بر مشرکین ذکر شده اند. امام محمدباقر (علیه السلام) فرمودند: «وَاللَّهِ لَمَوْتُ عَالِمٍ أَحَبُّ إِلَيَّ ابْلِيسَ مِنْ مَوْتِ سَبْعِينَ عَابِدًا - به خدا سوگند مردن یک عالم برای ابلیس از مردن هفتاد عابد محبوبتر و گرامی تر است!» (احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۱۹۳)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «يَقُولُ ابْلِسُ لِحُنُودِهِ: اَلْقُوا بَيْنَهُمُ الْحَسَدَ وَالْبَغْيَ فَانَّهُمَا يَعْدِلَانِ عِنْدَ اللَّهِ الشَّرَّكَ - و نیز شیطان همواره به لشکریانش دستور می‌دهد: میان آدمیان حسد و ظلم را رواج دهید که این دو (گناه عظیم) در نزد خدا با شرک برابری می‌نمایند!» (بحار، ج ۶۳، ص ۲۶۰)

در ظلمت حیرت ار گرفتار شوی خواهی که ز خواب جهل بیدار شوی

در صدق طلب نجات، زیرا که بصدق شایسته فیض نور انوار شوی

عنوان : مبنای قضاوت، ظاهر افراد نیست

مبنای قضاوت در اسلام بر اساس حقیقتی است که در افراد تحقق دارد نه ظواهر و ادعاهایی که می‌شود.

در قرآن می‌خوانیم طایفه‌هایی از مردم هستند که خداوند بین آنها قضاوت خواهد کرد : «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِّينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - کسانی که ایمان آوردند و یهود و صابئان و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آن‌ها روز قیامت داوری می‌کند و حق را از باطل جدا می‌سازد.» (حج/ ۲۲)

یکی از این قضاوت‌ها این است که مرتکبین این جرائم از جرگه اسلام خارج‌اند: امام علی (علیه السلام) فرمود پیغمبر در ضمن سفارشهای خود بمن فرمود: «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ... - ای علی ده گروه از امت به خدای بزرگ کافر شده‌اند: سخن چین آدم کش، جادوگر، ... کسی که فتنه انگیزد، کسی که اسلحه بدشمن در حال جنگ با مسلمانان بفروشد، مانع زکاة، مستطیعی که بمیرد و بمکه برای حج خانه خدا نرفته باشد کافر مرده است.» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۵)

آنها که اهمتامی به امور مسلمین ندارند مسلمان نیستند : «مَنْ اصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ - هرکس که صبح کند و نسبت به مصالح و مفسد

مردم و جامعه مسلمین بی تفاوت باشد در زمره مسلمین ، به حساب نمی آید.»
(اصول کافی؛ کتاب الایمان و الکفر؛ باب الاهتمام بامور المسلمین، ج ۲، ص ۱۶۳)

بسیاری از مؤمنان را قرآن کریم مشرک می داند و می فرماید «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف/ ۱۰۶)

لذا امکان دارد اهل توحید هم به مراتبی از شرک مبتلا باشند. به ویژه که شرک تقسیماتی دارد شرک اعتقادی، شرک قلبی و شرک عملی. از این نظر ممکن است کسی شرک اعتقادی نداشته باشد ولی به آن دو شرک دیگر مبتلا باشد. جا دارد که سراغی از خود بگیریم و با نگاه حقیقت بین خود را ببینیم.

رهزنان را راهنما پنداشتی احمد و بولجهل چون هم داشتی

اشقی را زاولیا نشناختی دین و دنیا را از آن درباختی

عنوان : ختم و بدو سوره

«البینة» که همه محتوای سوره را در خود دارد و آیه به آیه، مفاد آن باز و بازتر می شود، با آخرین آیه این سوره مطابقت دارد (انشاءالله در محل خود به آن پرداخته می شود) این اتحاد مفهومی ختم و بدو مطالب در سوره نشان از محوریت «بینه» در تمامی این سوره شریفه دارد.

آثار «بینه» قابل شمارش نیست. خداوند از میان آثار و برکات آن بر روی «هدایت و قدرت تشخیص حق از باطل» تأکید نموده است: «بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» بنابراین از برکاتش این است که کفر و شرک و نفاق در پرتو نور آن شناخته می شود؛ «بینه» دین قیّم را (راه و روش درست زندگی) را برای مردم تبیین می کند (ذلک دین القیمة). از برکت «بینه» اخلاص و راه تحصیل آن شناخته می شود و از اقامه نماز و ایتاء زکوة و خشیت در برابر خداوند، «خیر البریه» ای پروریده می شود که جز رضایت محبوبش به چیز دیگر نمی اندیشد. «رضی الله عنهم و رضوا عنه». زیرا به یقین رسیده است که از خیر مطلق جز خیر به او نمی رسد. در کافی شریف از امام صادق (علیه السلام) روایت

شده است: «إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَرْضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - به راستی که داناترین مردم به خدا، راضی‌ترین آن‌ها به قضای خدای عزوجل است.» (کافی، ج ۲، ص ۶۰)

و از امام سجاد (سلام‌الله‌علیه) نقل شده است: «الصَّبْرُ وَ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ وَ مَنْ صَبَرَ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا قَضَى عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ لَمْ يَقْضِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ - صبر و رضای از خدا رأس اطاعت خداست و کسی که صبر کند و در آنچه که خدا بر او مقرر کرده است (خواه خوشایند او باشد و خواه ناخوشایند) خداوند عزوجل در آنچه دوست دارد، یا ناخوش دارد چیزی جز خیر برای او مقرر نمی‌کند.» (کافی، ج ۲، ص ۶۰)

برو تکیه بر حکم تقدیر کن نه چون جاهلان ترك تدبیر کن

چو کس را رضایت بود بر قضا، شود از غم و رنج گیتی رها

عنوان : پیام عام و همه‌شمول

نقش «بینه» آنچنان کاربردی و تعیین کننده است که خدای متعال تطهیر از ظلمات ناشی از کفر و شرک را ممکن نمی‌داند مگر تنها و تنها با تغذیه ارواح و قلوب انسان‌ها از نور بینات.

مفهوم این پیام این است که چرا انسانها به مانند کوشش و تلاشی که در تأمین آسایش و راحت جسم خود دارند، از نیاز و احتیاج ارواح و قلوبشان که نور حکمت و معرفت است، غافلند؛ مگر نمی‌دانند که ظلمت جهل و نادانی آنها را قرین شیطان و طعمه آتش جهنم می‌کند؟ إِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ عَدُوًّا فَالْغَفْلَةُ لِمَاذَا - اگر شیطان دشمن (قسم‌خورده تو) است پس این همه غفلت و بی‌خبری چرا؟!» (بحار، ج ۷۳، ص ۱۵۷)

آیا نمی‌دانند کشش‌های مخالف وجود انسان عرصه ظهور اختیار و انتخاب و تعیین شایستگی‌ها و ارزش و قیمت افراد است؟

امیر مؤمنان می‌فرماید : لا يُدْرِكُ الْعِلْمُ بِرَاحَةِ الْجِسْمِ - دانش با تن آسایی به دست نمی‌آید» (غررالحکم/ ۱۰۶۸۴)

و نیز شروطی را شرط تحصیل دانش می‌دانند؛ «العلم لا يحصل إلا بخمسة أشياء: أولها: بكثرة السؤال و الثاني: بكثرة الاشتغال و الثالث: بتطهير الأفعال و الرابع: بخدمة الرجال و الخامس: باستعانة ذي الجلال - علم جز با پنج چیز به دست نمی‌آید: سؤال کردن بسیار، اشتغال فراوان به «درس و بحث و پژوهش» طهارت در رفتار و کردار، خدمت کردن به مردان، «یعنی علماء و دانشمندان و اساتید» و کمک خواستن از خداوند متعال.» (المواعظ العدیدة، ص: ۳۹۴)

جا دارد که ما از خود بپرسیم که آیا این چنین تحصیل معرفت را جدی گرفته‌ایم یا در کنار زندگی مان گاهی به آن می‌پردازیم و یا آنکه اشتغال امر معاش ما را به کلی از تحصیل معرفت حقیقی غافل کرده است؟!!!!

خوشا مصاحبت اهل علم و مجلس انس که مهربان بنشینیم و مهربان برویم

دلیل اهل سعادت نشان بندگی است بدا بدا که از این نشئه بی نشان برویم